

«تبعیض» و امتیاز از دیدگاه قانون اساسی افغانستان و اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده «۲۲» قانون اساسی افغانستان:

هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.
اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی می باشند.

همانطوریکه امریه مندرج ماده فوق ملاحظه میشود: قانون اساسی درین حکم و هدایت خویش «تبعیض و امتیاز» را با ابعاد مختلف آن به کلمه «هرنوع» وضاحت می بخشد و اعمال آن را بین اتباع افغانستان ممنوع قرار می دهد و در ادامه حقوق مساوی «اتباع افغانستان» را به شمول زن و مرد تصریح و به واجبات مساوی آنها نیز صراحت می دهد.

ممنوعیت «تبعیض» در قانون اساسی با جمع هدایات قوانین دیگر و تذکرات مؤکد اعلامیه جهانی حقوق بشر به ما می آموزد که:

مذموم و منفورترین واژه ای که روح و روان انسان را تخریش و برالفت و همدیگر پذیری اثر منفی می گذارد «تبعیض» و تعصب و امتیاز خواهی هاست که انسان ملوث به این مفکوره ی متعفن را از پاکیزگی عقل و وجدان خارج و از دایره انسانیت بیرون میسازد.

بر باور من! اکثریت مطلق افراد جامعه پاک طینت در هر مسلک و آیینیکه باشند ازین قماش مردم بیزار و در جغرافیای محل زیست شان هم با آنها محبت واقعی و از ته ی دل ندارند.

تا جاییکه تجارب نشان داده است کراهیت و نفرت همگانی در مقابل این سلک ناروا بطور ظاهر و پنهان قابل درک و رو به ازدیاد است.

گرچه افراد آغشته به این مرض مهلک در هر جامعه محل و مکانیکه وجود دارند طور فریبکارانه و مغرضانه توأم با نیرنگ و تظاهر، تزویر و تقنین با لباس های گوناگون و با رنگ و الوان مختلف پیوسته برای اغوای پاکدلان معصوم خود ها را اشخاص بیغرض و بیطرف جا می زنند و تا می توانند در جهت نیل به اهداف شوم خود ها از رفتاریکه آموخته اند دریغ نمی ورزند و برای کشاندن و جذب این مردمان خوش باور و پاک نهاد دام تزویر می نهند و با سخنان چرب و آمیخته با فریب میخوانند آن ها را منحرف و دنباله رو مفکوره پلید خود ها سازند.

اما آنهایکه با همین باور بیجا، بیخیز از سلطه عصر و زمان در کمینگاه به تاریکی نشسته و به ترصد مشغولند، تیر را به تاریکی و بدون تشخیص هدف رها می کنند و زحمت بیهوده می کشند، زیرا همه می دانند که افراد امروزی آن افراد جامعه دیروزی نیستند؛ امروزه انسان و هر فرد در برخورد اولی و ابتدائی مخاطب خود را بطور آنی و بدون درنگ از ژست و حرکات و ادای کلمات و گفتار و رنگ و چهره درک و آخرین مطلب را می گیرند و چنین یغما گری ها نتیجه بخش نبوده و بدرد بخور نیست، پس بهتر است حقیقت را در یابیم و به آن باور مند باشیم.

ناگفته نگذیریم که استدلال و چرخش سخن ما سوابق افراد طرف بحث را احتوا نمی کند و ما با سابقه ی آنها کاری نداریم و این امکانات را نیز مردود نمی دانیم که چنین افراد با آن سابقه ی سیاهی که به آدرس خویش ثبت و شهرت ناسزایی داشته باشند، عده کثیری از مردم سرزمین محل آنها را می شناسند و از سابقه آنها آگاهند.

ولی میشود همین اشخاص با زیرکی تمام در چنین مواقع خود ها را در پناه واژه ی «بیطرف» پوشانند و با پنهان کاری و ماسک چهره در صدد بدست آوردن هدف و مرام برآیند. به هر صورت:

بر مبنای اصل و بیانیکه عرض کردم میخواستم علاوه بدارم که: مردمان جهان و درنهایت بشریت با تحقق اصل تحول و تکامل در عرصه های مختلف زندگی به روی کره زمین و فرا تر از آن در فضاء و کهکشانها راه باز می کنند و در صدد زندگی نوینی هستند که این تحول و دگر گونی فعلی به شدت هم ادامه دارد که حالت فکری و طرز زندگی بشریت را هم دگر گون و متحول ساخته است.

جوامع بشری و انسانهای کنونی، مردمان و جماعتی چند قرن قبل نیستند، و این تغییرات و تحولاتیکه بر فضای زمین و آسمان مسلط است اگر مثبت است و یا منفی ارمغانی نیز بر دگر گونی عرصه های مختلف زندگی افراد بشر داشته و دارد که منجمله بیداری همگانی و تحولات فکر و اندیشه در جهان ماست که از اثر تلاش همین مردم جهان بوجود آمده است.

بر مبنای همین دلایل و واقعیت های عینی جامعه کنونی بایست بپذیریم که مردم ما مردم دیروز نیست و تشخیص خوب و بد خود را به آسانی انجام می دهند و حقوق اساسی و بشری خود را مطابق احکام قوانین و اعلامیه جهانی حقوق بشر خوب می فهمند و از آن آگاه می شوند، ولی آنچه را نمی توانند انجام دهند - احقاق حقوق مسلم و اساسی شان است.

بلی اگر دقت و مکثی بر محتوای آنچه گذشت انجام گیرد اصل مشکل عاید و نا بسامانی جامعه رابخوبی در می یابیم که این همه قانون گریزی ها، گسترش تبعیض و نابرابری و عدم تأمین حقوق افراد جامعه و عدم رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر: ریشه در عدم تطبیق و حاکمیت قانون، عدم رعایت نظام حقوقی و حقوق بشر دارد و بحران را می باشد.

توجه بفرمایید اعلامیه ی جهانی حقوق بشر چه می گوید:

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب دهم دسامبر ۱۹۴۸

ماده ۱

تمام افراد بشر آزاد زاده می شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق باهم برابر اند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه ای برادرانه رفتار کنند.

ماده ۲

هرکس می تواند بی هیچگونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده ی دیگر، و همچنین منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه ی آزادیهای ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردند. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومت یا غیر مختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده ۷

همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند به هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون بر خوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه ی حاضر باشد، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره مند گردند.

بهرتر میدانم تا از احکام گد جزای افغانستان نیز در زمینه آگاه باشیم:

ماده ۲۵۶ قانون جزاء حکم می کند:

(۱) شخصی که دیگری را به تبعیض یا تفرقه مذهبی، نژادی، قومی، زبانی یا منطوقی دعوت یا تحریک نماید، به حبس متوسط، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده منجر به نتیجه گردد یا با عنف و تهدید توأم باشد، مرتکب به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می گردد.

ماده ۴۰۹ قانون جزاء حکم می کند:

(۱) هرگاه موظف خدمات عامه یا موظف دولت خارجی یا سازمان بین المللی یا بین الحکومتی یا مؤسسه غیر دولتی به اساس ملاحظات شخصی، قومی، منطوقی، زبانی، مذهبی، جنسیتی، سیاسی،

عقیدتی یا به اساس پشتیبانی از گروه یا فرقه خاص، در اجرای وظایف یا ارائه خدمات یا سایر حالات از تبعیض کار گیرد، مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می گردد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقره (۱) این ماده توسط مقامات عالی رتبه دولتی یا مقامات عالی رتبه سایر مراجع ارتکاب یابد، مرتکب به حد اکثر حبس متوسط یا به جزای نقدی سه صد هزار افغانی، محکوم می گردد.

اکنون مدلل به مطالب و احکامیکه ارائه گردید توأم با تجاریکه تاریخ بیاد دارد به این نتیجه می رسیم که: (اگر قدرت، حاکمیت و یا جماعت و افرادیکه، خلاف این همه اصول و قوانین و حقوق بشر عمل نماید و تکیه بر تبعیض و تعصب و با اعتقاد به آن قدم بردارد، نتیجه بی بار و بریست که وطن خود را به هرج و مرج و بحران می برد و خود نیز رو سیاه میشود.)

یادداشت نویسنده: من داشته های قانون و حقوق افراد جامعه را با الهام از احکام قانون بازگومی سازم و چرا؟ های عدم تطبیق قانون که موضوع جداگانه است به من ارتباط نمی گیرد.

با تقدیم ارادت سخی صمیم.